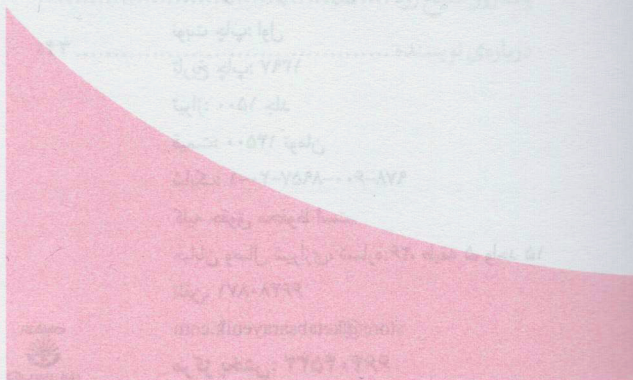




# مادری

هلن سیمپسون

حسین کاظمی یزدی



## فهرست

- یادداشت سرپرست مجموعه ..... ۹
- عدس ها و سوسن ها ..... ۱۱
- کافه سوسایتی ..... ۲۵
- هی آره، زندگی تو بکن ..... ۳۹
- هوای سنگین ..... ۹۱
- یک روز صبح زود ..... ۱۱۹
- درباره‌ی نویسنده ..... ۱۴۳

## یادداشت سرپرست مجموعه

تکه‌های نیک، ترجمه‌ی مجموعه‌ی وینتیج مینی انتشارات پنگوئن، حاوی تکه خوراک‌های کوچکی است از متون ادبی. این تکه خوراک‌ها بر خلاف یک وعده‌ی غذایی کامل، اندکی گرسنگی را برطرف می‌کند، ولی بی‌شک گرسنه را سیر نمی‌کند. هر کدام از تکه‌های نیک نمونه‌ای از یک وعده‌ی غذایی بزرگ‌تر و کامل‌تر است که از طعم و بوی آن وعده‌ی اصلی خبر می‌دهد و تازه با پایین دادن نشان است که شعله‌ی اشتیاق به آن وعده‌ی بزرگ‌تر در دل روشن می‌شود.

در یادداشت انتشارات پنگوئن برای معرفی مجموعه وینتیج مینی آمده است که این مجموعه بزرگ‌ترین نویسندگان دنیا را گرد هم جمع آورده که نقطه‌ی مشترک‌شان نوشتن درباره‌ی تجاربی است که از ما انسان می‌سازند. این کتاب‌های کوچک کل طیف زندگی را از تولد تا مرگ، و البته هرچه در این میان است، می‌کاوند. هر کدام از این کتاب‌های کوچک گزیده‌ای است از اثر یا آثاری از نویسنده‌ی نام‌دارش، حول محور موضوعی که روی جلد کتاب



آمده است. بی شک متن اصلی این نویسندگان نامدار که همگی صاحب جوایز معتبر ادبی از جمله نوبل و پولیتزر هستند، تلخیص نشده، بلکه عین جملات نویسنده پیرامون موضوع اصلی از اثر یا آثار مختلف او گلچین شده است. چنین شیوه‌ای در گردآوری این کتاب‌ها باعث شده تا بعد از خواندن گزیده‌هایی از این دست، اشتیاق خواندن کتاب اصلی در دل خواننده شعله‌ورتر شود.

در مجموعه‌ی تکه‌های نیک که ترجمه‌ی بخش عمده‌ای از مجموعه وینتیج مینی است، سعی شده است تا با حفظ ریتم و لحن نویسندگان مختلف، تنوع فرمی این رنگین‌کمان ادبی به خواننده‌ی فارسی هم منتقل شود، هرچند که تعدادی از کتاب‌های این مجموعه خود ترجمه‌هایی از زبان‌های دیگر به زبان انگلیسی هستند. از مجموعه‌ی وینتیج مینی به استثناء چند مورد، بقیه‌ی آثار با ترجمه‌ی صبا راستگار، فریدالدین سلیمانی و نگارنده در مجموعه‌ی تکه‌های نیک گنجانده شده است.

حسین کاظمی یزدی

تابستان ۱۳۹۷

## عدس‌ها و سوسن‌ها

چید بیمونت<sup>۱</sup> در رختخوابش نشسته بود و به نمره‌ی عالی‌ای فکر می‌کرد که حالا فقط چند هفته‌ای از آن فاصله داشت. مدرسه‌اش پس از سخنرانی‌هایی درباره‌ی اعتماد و بیهودگی به آن‌ها فرصت تحقیقاتی در خانه داده بود. حالا قرار بود تفاوت‌های میان وُردزورث<sup>۲</sup> و کالریج<sup>۳</sup> را طبقه‌بندی کند.

سایه‌ی درختان میوه روی پیاده‌روهایی افتاده بود که از خیابان باصفای مینیور<sup>۴</sup> پایین می‌رفت و باغچه‌های جلوی ویلاهای سبک دوره‌ی شاه ادوارد با سوسن‌های نورسیده، بوته‌های سرخ‌رنگ انگور فرنگی و آبی خیره‌کننده‌ی گل فراموشم مکن<sup>۵</sup> به اول‌بخند می‌زدند. او احساس سبکی و چالاکی می‌کرد و مثل گربه

1. Jade Beaumont

۲. (1770-1850) William Wordsworth: شاعر رمانتیک بزرگ انگلیسی

۳. (1772-1834) Samuel Taylor Coleridge: شاعر، فیلسوف، متاله و منتقد انگلیسی و

بنیان‌گذار جنبش رمانتیک در انگلستان

4. Miniver Road

5. forget-me-not



هو را به درون می کشید و برگ نوک تیزانگورفرنگی را لمس می کرد. جید معتقد بود که هرچه زودتر پوست را لخت در معرض آفتاب قرار دهی، پوستت بادوام تر می شود؛ بنابراین آن روز صبح یک دامن نازک سفید و یک تی شرت پوشیده بود. او داشت به یک مصاحبه برای کاری در ایام تعطیلات در یک گلخانه می رفت. تابستان! نمی توانست منتظر بماند. آن روز صبح دلپذیر بود؛ ولی خنک بود و موهای سفید و طلایی روی بازوان و پاهایش سیخ و خمیده شده بودند تا شبکه ای نامرئی بسازند و لایه های هوای گرم را تا یک سانتیمتر به دام بیندازند.

برای برنده شدن، نمی توانم به اشکال خارجی دل ببندم  
عاطفه و زندگی فواره هایشان در درون اند.

جالب بود، ولی کالریج میدان مین بود. درست وقتی فکرمی کنی حرفی درخشان زده است، با تمام سرعت و دیوانه وار به سمت نیستی می رود. کالریج برای کسی که می خواست چیزی درباره اش بنویسد، کابوسی واقعی بود. با این همه از نظر جید، اشکال خارجی خیلی هم دل ربا بودند؛ رنگ لباس ها، بافت پوست و رایحه ی خوراک و گل ها. او نمی توانست نقطه ی برون یابی را ببیند. کیتز<sup>۱</sup> بی شک بهتر از دیگران بود، ولی نمی توانستید در سؤال کردن از او انتخابی داشته باشید.

1. extrapolation

۲. John Keats (1795-1821) شاعر انگلیسی

او مکثی کرد تا هوای شیرین پیرامون فیلا دلفوس بل اِتوال<sup>۱</sup> را فروکشد و بعد متوجه گروهی از نرگس های زرد پیش پایش شد.

سایه های زندان - خانه نزدیک شدن آغاز می کنند  
با پسری رو به رشد  
ولی پسرک نور را نگاه می کند و نور از همان جا جاری می شود  
پسر نور را در سرور خود می بیند.

چین به سال های گذشته اش در مدرسه فکر کرد، احساسات افسار خورده، ملالت گیج کننده، معلمان در کلاس که مثل آموزش دهندگان خسته ی شیرها بودند و چیزی کاملاً متضاد را حس می کرد. او در آستانه ی تمام کردن درش بود و هر روز که خانه را ترک می کرد، دلش از هیجان مورد توجه بودن آکنده بود، گرمی پرتو چشم هایش، آگاهی فاش کننده ی نیروهای جذاب خودش. او کانون هر فیلمی بود که پیش تردیده بود، هرمانی که پیش تر خوانده بود. او در آستانه ی تغییر مسیر زندگی اش بود، مثل یک توپ جنگی شل وول و پرزرق و برق.

به زودی جانت محموله ی زمینی اش را بار خواهد زد

و این بار با وزنش رویت می خوابد،

سنگین همچون شبنم یخ زده و عمیق، تقریباً همچون

زندگی!

1. Philadelphus Belle Etoile